

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کبیر توخی *

۱۵ مارچ ۲۰۱۳

مدافعان قلم به دست طالب در تقابل با مدارک

۵

آنچه در این بخش نوشته می خوانید

۱۶ - متن سند سری؛ برخی از دلایل استخدام خلقی ها توسط آی اس آی .

۱۶- متن سند سری؛ برخی از دلایل استخدام خلقی ها توسط ISI :

در اوایل سال جاری عیسوی (۱۹۹۸) وزیر انرژی پاکستان اظهاراتی در مورد «ادغام افغانستان با پاکستان» مبنی بر این که «بهترین طریق برای پاکستان آنست تا افغانستان را به حیث ایالت ششم خویش بپذیرد...» اظهار نظر تکان دهنده و سخت اهانته، آنهم از زبان یک بروکرات کشور بی تاریخ و جدا ساخته شده از پیکر هندوستان از یکسو؛ و از سوی دیگر تغییر بیرق و تعویض جمهوریت افغانستان به امارت افغانستان ذریعۀ طالبان (به تاریخ پنجم عقرب ۱۳۷۵ - ۲۶ اکتوبر ۱۹۹۷ ظاهراً به فرمان ملا عمر به امارت افغانستان تبدیل گردید)، ؛ متن سند مهمی را به خاطر نگارنده این یادداشت شکل داد که آن را در جزوه ای به نام "گلبدین حکمتیار خاین ملی است یا جاسوس یا هر دو" مطالعه نموده بود (از «وقف میوند...» [۴] مؤرخ ۲۷ دسمبر ۱۹۹۰ و درج شماره ۳۹ «پیام زن» حوت ۱۳۷۳ فیروزی ۱۹۹۵).

اینک آرزوست نقل این سند مهم ، که بر مبنای آن اظهارات وزیر انرژی پاکستان شکل گرفته ، بُعد نوینی در قضاوت خواننده دیر باور باز نماید:

« کشف یک سند »

« متن سند سری »

« مدیریت عمومی آرشیف »

« استخبارات نظامی اسلام آباد »

« ۲۲ فیروزی ۱۹۸۸ »

« به آتشه دفاعی سفارت پاکستان... »

موضوع اولویت ها و استراتژی پاکستان

۱- خروج عساکر روسی شرایط جدیدی را برای حل مسأله افغانستان ایجاد می کند. بعد از سقوط رژیم کابل اوضاع اقتصادی و سیاسی در کشور نهایت جدی خواهد بود. هیچ حکومت اسلامی قادر نخواهد بود بدون کمک وسیع خارجی بر کشور حکومت کند. ما عمیقاً معتقدیم که پاکستان یگانه شریک و حتی حامی افغانستان است که از طریق آن کمک خارجی می تواند صورت گیرد.

۲- سیاست ما در قبال افغانستان بستگی به سه عامل دارد:

الف- تشکیل یک حکومت جدید از همان آغاز در قلمرو افغانستان فعالیت کند. نخستین وظیفه را کسب شناخت حتی المقدور تعداد زیادی ملل و قبل از همه کشور های اسلامی تشکیل خواهد داد. ما باید در این حکومت کمترین اشتراک عناصر طرفدار ایران را تأمین نمائیم. وظیفه دیگر باید آزاد ساختن یکی از شهر های عمده مثل جلال آباد باشد که در آن حکومت جدید نصب خواهد شد و از آنجا تمام کشور را اداره خواهد کرد. مجاهدین محتاج به تمام کمک های ممکن نظامی خواهند بود. باید مستشاران نظامی به آنها در ایجاد چیزی شبیه یک اردوی منظم کمک نماید. دخالت و اشتراک پاکستان لازم است تا اوضاع کنترل شود- منافع ملی ما حفظ گردد.

ب- سقوط رژیم کابل می تواند از دو طریق صورت گیرد. این کار باید از طریق محاصره کابل و به تعقیب آن تهاجم مستقیم یا از طریق محاصره کامل اقتصادی که به اضمحلال رژیم کابل منتج گردد، انجام یابد- برای این منظور ما باید تلاش کنیم تا در حلقه های نظامی کابل نفوذ نمائیم. بسیار با اهمیت است که نفوذ ما در حکومت جدید تحکیم یابد و اشخاص مورد اعتماد ما در آن جابه جا گردند. آنچه که حایز اهمیت عظیم است ایجاد شرایطی است که در آن عملکرد های عادی این حکومت صرفاً در صورت حضور مشاورین ما امکان پذیر گردد.

ج- اعاده صلح و آغاز اعمار مجدد کشور یک پروسه طولانی و دردناک خواهد بود. ما وسایل لازم را در اختیار داریم تا نه تنها این پروسه را کنترل کنیم بلکه در آینده ادغام تدریجی ساختار اقتصادی و سیاسی ما را به چنان طریقی تأمین کنیم که منتج به اتحاد نزدیک بین پاکستان و افغانستان [کلمه گردد بعد از ذکر نام افغانستان در سند تذکار داده نشده- نگارنده] این امر سر انجام می تواند به کنفدراسیون افغانستان و پاکستان بینجامد- این اندیشه حمایت وسیع را در میان نظامیان و عموم مردم کسب خواهد کرد - بالاین وصف فعالیت تبلیغاتی ماهرانه لازم خواهد بود تا افکار عامه پاکستان و جهان به آن عادت کند.

۳- وضع هنوز هم متشنج است و مستلزم احتیاط می باشد. اطلاعات مفصلتر شما مورد قدر دانی ما خواهد بود و باید به زودترین فرصت برای ما گسیل گردد.»

امضاء « در غیاب مدیر عمومی استخبارات»

« دگروال محمد ارشاد چواری »

خطوط اساسی ستراتیژی پاکستان در مورد یک دولت وابسته، از هر لحاظ، در متن این نامه بسیار مهم مدیریت عمومی استخبارات نظامی پاکستان ISI عنوانی آتشه دفاعی سفارت آن کشور، در پایتخت کدام کشور دیگر (که «وقف میوند به منظور...» شاید بنابر ملحوظات امنیتی از بردن نام کشوری که سفارت پاکستان در آن قرار دارد، خود داری کرده است)؛ وضاحت یافته است.

در هنگامی که دولت پوشالی از خود جان سختی نشان می داد، نصب یک حکومت جدید از جانب پاکستان در جلال آباد - که اعضای آن را رهبران اجیر و وطن فروش جهادی بایست می ساخت - مورد نظر بود؛ مگر بنا بر علل عدیده؛ من جمله عدم موفقیت حمله نظامی نیروهای پاکستانی در همگامی با مجاهدین در جلال آباد، اندیشه یک دولت

وابسته در جلال آباد را از سر طراحان نظامی پاکستان بدر کرد. آنان همانطوری که در نامه بسیار مهم و سری مدیریت عمومی استخبارات پاکستان نیز اشاره کرده اند، در حلقات نظامی کابل رخنه کردند. این همان حلقاتی بود که جنرال تنی خلقی به سمت نماینده ISI در رأس آن قرار داشت (۵).

افشای اسامی برخی از عناصر دولت کودتا، در واقع اشخاص مورد اعتماد ISI - که ذکر آن در حاشیه آمده - به درستی می رساند که گردانندگان اصلی این کودتا علیه دولت پوشالی، تنی و دارو دسته خلقی اش بود؛ چنانچه عدم پیروزی کودتای تنی- گلبدين بعداً روشن ساخت که چطور تمامی خلقی های تحت سرپرستی تنی و شرکاء در درون توبره حزب اسلامی پناه بردند، واز آن طریق همکاری و همسوئی شان را به ISI ابراز کردند.

CIA و ISI، این نیروی پرعقده، پر کینه، زخم برداشته و شکست خورده؛ (به شمول بخش هایی از آنان که افتخار عضویت KGB را داشتند و توسط CIA شناسائی شده و یا نشده بودند) را بنا بر علی که در زیر پیکره بندی شده است با آغوش باز پذیرفت، و روی همکاری "صادقانه" شان در پروژه طالبان حساب باز کرد.

۱- داشتن تحصیلات عالی نظامی در اتحاد شوروی سابق.

۲- داشتن تجارب جنگی در نبرد های رویا روی با نیروی های مقاومت، تحت قوماندۀ نخبه ترین جنرالان روسی در افغانستان.

۳- داشتن مهارت و لیاقت در کار برد جنگ افزار های پیشرفته و نوین.

۴- داشتن چندین سال تجربه در فن بسیج و سازماندهی نیروی (نظامی و ملکی).

۵- حضور پیلوت های ماهر در جمع آنان، شماری از پیلوتان در دوره ببرک - نجیب همراه با طیارات جنگی " میگ ۲۱ " شان به پاکستان پناهنده شدند [مسلماً عوامل KGB نمی تواند که در بین این پیلوتان در نقش ناراضی و پناهنده، به پاکستان فرستاده نشده باشد].

۶- تضاد و تخاصم عمیق شان با دولت شوروی پیشین، که ایشان را از قدرت برکنار کرده، و وابسته های پرچمی و خادی و سازانی خود را به جای آنان گمارده بود.

۷- شناخت نسبی از جغرافیای نظامی کشور و ویژگی های آن.

۸- داشتن نفرت عمیق از مردم - مردمی که علیه کودتای ننگین شان به پا خاسته و آنان را به سبب جنایات مدّش و بیشمار شان همواره مورد لعن و نفرین قرار داده و خواهان محاکمه این جنایتکاران جبون و بیرحم می باشند.

این جنایتکاران همان قسمی که در اختناق و سرکوب مردم خویش مشاورین خوبی برای متجاوزان روسی بودند، هم اکنون، برای طالبان پاکستانی، نه تنها مشاورین خوبی اند؛ بلکه در ساحة عملکرد ها، در اغلب موارد، نه تنها رهنمون و رهگشای طالبان می باشند؛ بلکه هموند و همگام آنان در جنایت و سرکوب مردم و...؛ نیز می باشند.

در «ادغام تدریجی ساختار اقتصادی - سیاسی» که در نامه سری فوق تذکار یافته است، خوانندگان به خوبی آگاهند که دولت پاکستان چگونه زیربنا و نهاد های اقتصادی کشور، به خصوص مناطق سرحدی را منهدم و نابود ساخته و آن ساحات را همانند «صوبه سرحد»، محل داد و ستد و خرید فروش کالا های پاکستانی نموده، و پول رایج آن را به جای پول افغانی به گردش در آورده است.

پاکستان و مولودش (طالبان) که بر بیشترین ساحات کشور مسلط گشته و پروسۀ ادغام اقتصادی با پاکستان را تا حدودی انکشاف داده اند، به فکر «ادغام سیاسی» کشور افتاده، می خواهند «به تبلیغ ماهرانه» بپردازند «تا افکار عامه پاکستان و جهان به آن عادت کند» .

مردمی در خون و آتش فرو برده شده ما که از خلق و پرچم و خاد و سازا و سر باند های ملیشائی، جهادی و طالبی و حامیان امپریالیستی شان که هم اکنون افغانستان را در اشغال داشته به گشت و کشتار های دسته جمعی شان زیر نام سرکوب طالبان و القاعده مشغول اند، تا آخرین حد ممکنه متفراند، و به امید انتقام از این وحشیان اجیر شده نفس می کشند.

بدون وحدت، همسوئی و همراهی تمامی نیرو های آزادیخواه، دموکرات، و ضد هر گونه وابستگی که دلبرانه امر بسیج و تسلیح توده ها را پذیرا کردند، کسب آزادی سیاسی و اقتصادی، استقرار صلح و امنیت، وحدت ملی و استحکام دولت مستقل ملی، امریست به سان سرآب در بادیه.

[نگارنده برای بیرون راندن قوای اشغالگر از کشور، جز راه کلاسیک مبارزه یعنی "سه اصل خلق" - که در بحث های بعدی در رابطه با آن باید صحبت شود- کدام راه بیرون رفت دیگری از شرایطی که امپریالیزم امریکا بر مردم و کشور ما تحمیل کرده است؛ سراغ ندارد]. □

*- (این نوشته قبلاً با نام مستعار "آذرویه" به نشر رسیده است)

تاریخ انتشار اول:

فبروری ۱۹۹۸ (حوت ۱۳۷۶)

توضیحات

(۴) - سید محمد میوند یک تن از وابسته های استخبارات شوروی در دهلی جدید بود. وی زیر پوشش "وقف میوند ... " کمک به ریشسپیدان مهاجر در هند " و...، کار و بار استخباراتی اش را انجام می داد. یکی از وظایف موصوف بیرون کشیدن عوامل خاد خارجی از زندان های هند بود - زمانی که اینها از سرحد پاکستان می خواستند عبور نموده داخل هند شوند، توسط مرزبانان سرحدی هند دستگیر شده زندانی می شدند؛ سید محمد میوند با شناسائی که با مقامات خاد هندوستان داشت، آنان را از زندان هند رها نموده در حلقه خود قرار داده به کار اطلاعاتی یا قاچاق و انتقال افغان ها به کشور های غربی می گمارد و شمار از این طیف رها شده خاد خارجی را به کشور های غربی می فرستاد؛ مانند فردی به نام مدد از ملیت نجیب هزاره. از جمله خادی ها و زندانیان تسلیمی بعداً خادی شده که در پیوند با میوند به کار قاچاق مواد مخدر من جمله انتقال غیر قانونی افغان ها به کشور های غربی مشغول بودند، یک تن آن از اعضای ساما به نام امان از کلکان بود که در زندان پلچرخ تسلیم شد. بعد از این که به هند آمد با کسانی مثل میوند در تماس شده زیر نام "عزیز خان" به کار قاچاق مشغول شد. وی سید محمد میوند را از زمره رفقای زنده یاد مجید کلکانی تبلیغ می نمود و چنین وانمود می کرد که گویا سید محمد میوند رفقای شعله ئی را توسط رفقا (افرادی مثل خودش) از هند سوزان به کشور های غربی انتقال می دهد. زمانی که مسافر گیر می افتد میوند وی را از زندان رها می سازد. یک تن از اعضای زندانی شده "سازمان پیکار برای نجات افغانستان" به نام معلم صدیق (مشهور به معلم صدیق شکم کته، که در زندان برای اطلاعات کار می کرد) توسط همین جوان از هند به المان انتقال داده شد.

(۵)- در صفحه ۵۰ جزوه "گلبدین حکمتیار خاین ملی...." نوشته شده:

« بعد از ناکامی کودتا معلوم گردید که پلان مشترک حکمتیار و تنی، آن بود تا در صورت کامیابی کودتا، صالح محمد زیروی به حیث رئیس دولت، گلبدین معاونش و تنی مسؤول نظامی تمام کشور در حکومت مشترک آنها خواهد بود، همچنان پست های حساس و مهمی به سایر اعضای برجسته باند خلق من جمله اسدالله سروری نیز سپرده می شد.»

[همچنان در رابطه کودتای ناکام و فرار خلقی ها با جنرال تنی... ، در صفحه ۱۸۶ " حوادث تاریخی افغانستان (از تأسیس جمهوریت تا به میان آمدن اداره موقت افغانستان) " اثر دکتر جمیل الرحمن کامگار این مطلب درج است :
« خلقی هائی که با جنرال شهنواز تنی به پاکستان فرار نموده بودند شکایت دارند که مقامات پاکستان معاش آنان را قطع نموده است. برای این اشخاص ماهانه ۱۵۰۰ روپیه معاش داده می شد، همراهان تنی در حدود ۸۰ - ۱۰۰ تن بودند. ۲۲ حوت ۱۳۷۰ مطابق مارچ ۱۹۹۲»
و همینطور آقای کامگار در مورد رابطه تنگاتنگ حکمتیار با اعضای مرکزی حزب خلق در همان کتاب صفحه ۲۰۸ اشاره ای دارد :
"مؤرخ ۱۷ ثور ۱۳۷۱ مطابق می ۱۹۹۲ - احمد شاه مسعود طی مصاحبه مطبوعاتی شریط اوربند حکمتیار را رد نموده گفت : ملیشه ها در سقوط رژیم با ما همکاری نموده اند باید تشویق گردند نه توبیخ ، وی افزود در کابل اکنون ملیشه ای وجود ندارد همه مجاهدین اند. او (" مسعود قهرمان" آذرویه) حکمتیار را مهماندار وطنجار، پکتین و مانوکی منگل قلمداد کرد".]